یادداشت روز

بازی «سایه جنگ» در شب انتخابات!

بامداد جمعه دو ناو آمریکایی «یو اس اس راس» و «یو اس اس پورتر» واقع در شرق سواحل مدیترانه به صورت کاملا ناگهانی با ۵۹ موشک هدایت شونده، پایگاه هوایی «الشعیرات» سوریه را در نزدیکی حمص هدف قرار دادند. این، شاید نخستین حمله «آشکار» و گسترده آمریکا به مواضع دولت سوریه است که طی آن مواضع نظامی علنا هدف قرار گرفته می‌شود؛ چرا که تا پیش از این اگر تجاوزی به سوریه از سوی آمریکا یا متحدانش صورت می‌گرفت، به اسم «مبارزه با داعش و تروریسم» اتفاق می‌افتاد که عوامل حمله یا در قبال آن سکوت اختیار می‌کردند، یا با اعلام اینکه «چند سرکرده تروریست را کشتیم» آن را توجیه می‌کردند. اگر هم غیرنظامیان را کشته و زیرساخت‌های سوریه را نابود می‌کردند نیز با جمله «اشتباه شد» سر و ته آن را جمع می‌کردند!

اما این بار دونالد ترامپ گفته، خود شخصا دستور حمله به سوریه را داده و از آن سو وزیر خارجه‌اش هم می‌گوید، با این حمله نخستین گام برای برکناری بشار اسد را برداشته‌اند! مقامات برخی کشورهای غربی و عربی نیز می‌گویند، این حمله با هماهنگی با آنها صورت گرفته است. خلاصه این که حامیان غربی، عبری، عربی داعش و خود گروه‌های تروریستی، نه فقط وقوع این تجاوز را برخلاف قبل، پنهان نمی‌کنند، بلکه به شدت از آن استقبال نیز می‌کنند و بعضا خواستار ادامه آن هم هستند!

آمریکایی‌ها می‌گویند در این حملات -که با فاصله کوتاهی پس از انفجار شیمیایی خان شیخون رخ داد!- بسیاری از تجهیزات و اهداف نظامی سوریه را منهدم کرده‌اند و این که، پیش از انجام این حمله نیز با روسیه هماهنگی‌های لازم را به عمل آورده بودند تا روس‌ها با تخلیه تجهیزات جنگی خود، خسارتی متحمل نشوند. اگرچه وزیر خارجه آمریکا چند ساعت بعد اعلام کرد «لزومی ندیدیم روسیه را از انجام این حمله مطلع کنیم.»!

منابع سوری اما ضمن تایید اصل وقوع این تجاوز می‌گویند پیش از وقوع حمله که منجر به کشته شدن حداکثر ۱۰ نظامی سوریه شده، تمام جنگنده‌هایشان را از این پایگاه نظامی خارج کرده بودند و این حملات خسارات و تلفات بسیار کمی بر جای گذاشته است. روس‌ها نیز با محکوم کردن این تجاوز گفته‌اند، تمام همکاری‌های نظامی خود با آمریکا را در سوریه متوقف کرده‌اند و کار را به شورای امنیت می‌کشانند.

بهانه آمریکایی‌ها برای انجام این حمله «انفجار شیمیایی» چند روز پیش در «خان شیخون» ادلب است که سازمان ملل در حال تحقیق روی این حادثه است و هنوز نتایج تحقیقات اعلام نشده است!

اما هدف رئیس‌جمهور آمریکا از انجام چنین حملاتی چیست؟ ترامپی که با اعلام مخالفت شدید با جنگ‌افروزی روسای جمهور پیشین آمریکا در منطقه، توانست به قدرت برسد، چرا چند ماه از ریاست جمهوری‌اش نگذشته، باید چنین خبطی کند؟ آیا ترامپ حاضر شده شخصا وارد جنگ منطقه شده و با روسیه، ایران و مقاومت سرشاخ شود؟ رئیس‌جمهوری که گفته بود «می‌شد با آنچه در طول ریاست جمهوری اوباما در خاورمیانه هزینه شده، دو بار آمریکا را بازسازی کنیم.» به این زودی وعده‌هایش را فراموش کرده و قصد دارد مقاومتی را که ۵ سال است تمام دنیای غرب و عرب و رژیم صهیونیستی حریف آن نشده‌اند، از میان بردارد؟ یا مسئله فراتر از سوریه و تحولات منطقه است و طیفی از مسائل مهم دیگر را به طور غیر مستقیم در بر می‌گیرد؟ آیا این حملات به انتخابات سرنوشت ساز ریاست جمهوری ایران که نزدیک به ۴۰ روز دیگر برگزار خواهد شد، می‌تواند مرتبط باشد؟ به تحولات کره شمالی، ماجرای قدس غربی و به رسمیت شناخته شدن آن به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی از سوی روسیه چطور؟ بخوانید:

برای بررسی درست تحولات مهمی مثل حادثه بامداد جمعه سوریه، گاهی تمرکز صِرف، روی آن واقعه کافی نیست و لازم است به تحولات دیگری که قبل یا بعد از این واقعه رخ داده یا قرار است رخ بدهند متمرکز شد.

پیش و حین وقوع این تجاوز، اتفاقات بسیار مهمی در منطقه رخ داده و اتفاقاتی نیز قرار است رخ بدهد. حادثه شیمیایی خان شیخون تنها یک بهانه است چرا که، سازمان ملل به کمک همین آمریکایی‌ها سلاح‌های شیمیایی سوریه را از بین بردند و سوریه اصولا سلاح شیمیایی در اختیار ندارد که از آنها استفاده کند. از طرفی، با توجه به نزدیک شدن به پایان کار داعش در سوریه، ارتش سوریه نیازی به انجام چنین حملاتی نداشت.

آمریکا به دنبال ورود مستقیم به این جنگ هم نیست. با توجه به بدهی ۱۹ تریلیون دلاری آمریکا و یا هزینه ۶ تریلیون دلاری که این کشور از سال ۲۰۰۳ به این سو در جنگ خاورمیانه حیف و میل کرده است، به نظر نمی‌رسد این کشور «بتواند» آغازگر جنگی دیگر در منطقه باشد. کاخ سفید درست به همین دلیل چند سالی است سیاست‌های استعماری خود را با استفاده از شیوخ ثروتمند عرب و به شکل «مدیریت از راه دور» دنبال می‌کند. مهمتر این که، با وجود کشورهایی مثل ایران، روسیه، جنبش قدرتمند حزب‌الله لبنان و مقاومت در کنار سوریه، کمی بعید به نظر می‌رسد آمریکا بتواند وارد یک جنگ پرهزینه دیگر شود، به ویژه اینکه شانس پیروزی‌اش در آن بسیار ضعیف باشد. مگر اینکه کشورهای مرتجع عربی، با پذیرفتن هزینه‌های کمرشکن این جنگ، مسئولیت چنین حماقتی را که به آتش کشیده شدن منطقه نتیجه آن است، بر عهده گرفته باشند که این امر هم کمی دور از عقل به نظر می‌رسد. در صورت آتش گرفتن منطقه، این آتش بیش از همه دامن همین مرتجعین عرب را هم خواهد گرفت. نکته مهمی که پنتاگون نیز به نوعی با گفتن این جمله که، «چنین حملاتی ادامه پیدا نخواهند کرد» آن را تایید می‌کند.

بنا بر این به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها با انجام این حمله قصد ورود به یک جنگ دیگر حتی کوتاه مدت را هم ندارند. بنابر این می‌توان گفت قصد آنها صرفا ترساندن و رساندن پیام به گوش برخی‌ها بوده است!

با توجه به شخصیتی که طی ماه‌های گذشته از ترامپ در رسانه‌ها ساخته و به افکار عمومی دنیا پمپاژ شده است، نخستین پیامی که با شنیدن خبر این حمله خاص (خاص از این نظر که به طور ناگهانی و به شکل گسترده صورت گرفته و انجام چنین حملاتی با شخصیتی که از ترامپ ساخته شده سازگار است) به ذهن متبادر می‌شود این است که، وی فردی دیوانه است و با زیر پا گذاشتن تمام اصول و معیارهای شناخته شده جهانی در حوزه سیاست و روابط بین‌الملل، قادر به انجام هر کاری می‌باشد. در واقع این پیش‌زمینه ذهنی که همه از ترامپ دارند وقتی در کنار این حادثه قرار می‌گیرد، شنونده را «نگران» کرده و به این نتیجه می‌رساند که نباید در برابر این دیوانه مقاومت کرد.

اگر این پیش‌فرض را صحیح بگیریم، می‌توان به این نتیجه رسید که، «پیام» این حمله برای افکار عمومی به مراتب مهمتر از نفس حمله است چرا که در این حمله تلفات و خسارت سنگینی به کسی وارد نشده است. مخاطب این پیام نیز می‌تواند کسانی باشند که معتقدند، نباید در برابر زورگویی‌های آمریکا ایستاد چرا که این کشور می‌تواند با فشردن یک دکمه تمام زیرساخت‌های نظامی ما را از بین ببرد و توانایی‌های ما نیز در حد ساختن آبگوشت بزباش و قورمه‌سبزی است!

این فرضیه از آنجا به واقعیت نزدیک‌تر است که بدانیم، حدود ۴۰ روز دیگر، انتخاباتی در کشورمان برگزار خواهد شد که در یک طرف آن افرادی قرار دارند که، به دادن امتیازهای مفت در مقابل گرفتن وعده‌های نسیه و توخالی عادت کرده‌اند. این عده معتقدند باید بپذیریم آمریکا ابرقدرت است و توان ایستادن در برابر آن را نداریم. همان عده‌ای که توانمندی‌های ارزشمند هسته‌ای را به ثمن بخس فروختند و وقتی نوبت به برداشتن تحریم‌ها از سوی حریف شد گفتند، این مذاکرات سایه جنگ را که از سر کشورمان برداشت!

پیام این حمله می‌تواند به مثابه بازگشت «همان سایه» جنگ باشد. از این پس احتمالا شاهد این خواهیم بود که زنجیره‌ای‌ها با استفاده از این واقعه بنویسند، از انجایی که با دیوانه‌ای مثل ترامپ مواجهیم، فردی که غیر قابل پیش‌بینی و خطرناک است، اگر به آمریکا بیش از این باج ندهیم و به گرفتن امتیازهایی که قرار بود به ما بدهند اصرار کنیم، و از همه مهمتر، اگر به ادامه وضع موجود تن ندهیم، با چنین خطری مواجه خواهیم شد! بزک کردن چهره دولت قبلی آمریکا نیز از این پس بیش از گذشته در دستور کار این عده قرار می‌گیرد.

حمله ترامپ به سوریه در آستانه انتخابات ریاست جمهوری یعنی ارسال پیام به پادوهای آمریکا برای دامن زدن به آمریکا هراسی و ترغیب مردم به سمت کسانی که معتقدند باید با آمریکایی‌ها به هرقیمت ممکن سازش کرد. به عبارتی باید کلید برجام ۲ و ۳ را هم زد!

فرضیه مطرح دیگر این است که مخاطب این حمله کشورهایی مثل، کره شمالی، چین، روسیه و ایران هستند که مقابل هژمونی آمریکا ایستاده‌اند. ترامپ فرمان حمله به سوریه را -که بدون هماهنگی با کنگره انجام داد- در جریان دیدارش با رئیس‌جمهور چین صادر کرده است. ترامپ چند روز پیش با ادبیات مخصوص خود و به تهدید گفته بود اگر چین با تحت فشار قرار دادن پیونگ یانگ، به عقب‌نشینی این کشور در برابر آمریکا و متحدانش کمک نکند، خود شخصا وارد میدان می‌شود. ادبیاتی که باعث هشدار رهبران کشورهای مختلف خطاب به کاخ سفید شد. رهبران سیاسی کشورها گفتند، ترامپ باید مراقب ادبیاتش باشد چرا که کره شمالی این قابلیت و توانایی را دارد که علیه آمریکا و اروپا حملات اتمی انجام دهد. به عبارت دیگر این حمله ناگهانی می‌تواند پیامی به پیونگ یانگ باشد تا دست از گسترش توانمندی‌های نظامی خود در برابر آمریکا بردارد تا در نهایت تبدیل به لقمه راحت‌تری برای این کشور شود!

البته هستند کسانی که معتقدند، این حمله با هدف، به حاشیه راندن اقدام مشکوک روسیه در به رسمیت شناختن قدس غربی به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی صورت گرفته است. چنین خدمت بزرگی به منافع رژیم صهیونیستی از سوی روسیه که چند سالی است در کنار مقاومت علیه منافع غرب و اسرائیل می‌جنگد، «بی‌سابقه» و «بسیار جدی» است و می‌تواند «تبعات جدی» را هم به دنبال داشته باشد. در واقع روسیه اولین کشوری است که قدس غربی را به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی به رسمیت می‌شناسد. ترامپ با ارائه طرح انتقال پایتخت رژیم صهیونیستی از تل آویو به قدس، قصد انجام کار مشابهی را داشت، اما تا این لحظه با توجه به خطرات این اقدام، جرأت اجرای این طرح را نداشته است. از این منظر می‌توان گفت، روسیه با این عمل، خدمت بزرگی را به آمریکا و رژیم صهیونیستی کرده است. حمله آمریکا به خاک سوریه می‌تواند با هدف به حاشیه راندن این رویداد صورت گرفته باشد.

برای رسیدن به تحلیل دقیق‌تر گذشت زمان لازم است. نوع واکنش زنجیره‌ای‌ها به این حادثه که از امروز آغاز می‌شود در کنار اظهارات و اقدامات مقامات آمریکایی در طول روزهای آینده می‌تواند پشت پرده این تجاوز آشکار را به خوبی آشکار کند.

جعفر بلوری

در واکنش به حمله موشکی آمریکا به یک پایگاه هوایی در سوریه

ظریف: آمریکا در یک جبهه کنار القاعده و داعش می‌جنگد زمان فرافکنی پایان یافته است

وزیر امور خارجه کشورمان در واکنش به حمله نظامی آمریکا به یک پایگاه هوایی در سوریه تاکید کرد: نیروهای نظامی آمریکا در یک جبهه در کنار القاعده و داعش در یمن و سوریه می‌جنگند. زمان جوسازی و فرافکنی پایان یافته است.

محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه در واکنش به حمله نظامی آمریکا به یک پایگاه هوایی در سوریه در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشت: به عنوان تنها قربانی اخیر استفاده گسترده از سلاح‌های شیمیایی (توسط صدام در دهه ۸۰ میلادی)، ایران هرگونه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی توسط هر کس و علیه هر کس را محکوم می‌کند.

ظریف افزود: آمریکا به صدام حسین در استفاده از سلاح شیمیایی علیه ایران در دهه ۸۰ میلادی کمک کرد. سپس دوبار به بهانه‌های بی‌اساس شیمیایی به حمله نظامی اقدام کرد: سال ۲۰۰۳ و اکنون.

وی تاکید کرد: کمتر از دو دهه بعد از یازده سپتامبر، آمریکا در دو جبهه سوریه و یمن در کنار القاعده و داعش می‌جنگد. زمان جوسازی و فرافکنی پایان یافته است.

تقلا برای تقویت تروریست‌های رو به زوال

بهرام قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش به حملات موشکی آمریکا به یک پایگاه هوایی در سوریه اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگترین قربانی سلاح‌های شیمیایی در تاریخ معاصر، هرگونه استفاده از سلاح شیمیایی را فارغ از عاملین و قربانیان آن محکوم می‌نماید و همزمان استفاده از این بهانه برای اقدامات یک جانبه را خطرناک، مخرّب و نقض اصول آمره حقوق بین‌الملل می‌داند.

قاسمی افزود: ما ضمن محکومیت شدید هرگونه اقدام نظامی یکجانبه و حملات موشکی به «پایگاه هوایی الشعیرات» در سوریه توسط ناوهای آمریکایی، معتقدیم که اینگونه اقدامات به بهانه حمله شیمیایی مشکوک در «خان‌شیخون» در ادلب که زمان بندی، عاملین و منتفعین از آن کاملا در پرده‌ای از ابهام قرار دارد به تقویت تروریست‌های رو به زوال و پیچیدگی اوضاع در سوریه و منطقه خواهد افزود.

تکذیب خبر تخلیه سفارت ایران در دمشق

سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان اخبار منتشر شده مبنی بر تخلیه سفارت جمهوری اسلامی ایران در دمشق در پی حملات موشکی آمریکا به پایگاه هوایی الشعیرات سوریه و ترک این کشور توسط دیپلمات‌های ایرانی مقیم سوریه را تکذیب کرد.

قاسمی گفت که دیپلمات‌های ایرانی در سوریه به همراه خانواده‌هایشان در دمشق مستقر هستند و روند فعالیت در سفارت ایران در جریان است.

آمریکا به دنبال راه‌حل برای غلبه بر داعش نیست

«حسین امیرعبداللهیان» دستیار ویژه رئیس مجلس شورای اسلامی در امور بین الملل اعلام کرد حمله آمریکا به سوریه تمامی تلاش‌های انجام شده برای رسیدن به یک راه‌حل سیاسی برای بحران سوریه را نادیده گرفت همانگونه که ثابت کرد آمریکا به دنبال راه‌حل برای غلبه بر داعش نیست.

امیرعبداللهیان به وبگاه «العهد» لبنان گفت: این اقدام عجولانه آمریکا با تمامی قوانین بین‌الملل و نیز منشور سازمان ملل مخالف است و منجر به تقویت افراط‌گرایی و تروریسم در منطقه خواهد شد.

وی در پایان گفت: اتهام‌زنی‌ها به دولت سوریه مبنی بر استفاده از سلاح شیمیایی آنهم پس از آنکه این کشور خلع سلاح شیمیایی شده است، نیاز به بررسی‌های دقیق و عمیق از سوی سازمان منع گسترش سلاح اتمی و نیز سازمان ملل دارد.

اقدام نابخردانه آمریکا، تبعات جدی به دنبال دارد

به گزارش مهر، علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با اشاره به حمله نظامی آمریکا به سوریه و بهانه تراشی در خصوص حمله شیمیایی اخیر صورت گرفته در سوریه گفت: همه دنیا می‌دانند که سوری‌ها در یک توافق با سازمان ملل کلیه سلاح‌های شیمیایی خود را تحویل داده‌اند، بنابراین سلاح شیمیایی در اختیار دولت سوریه نیست.

نماینده مردم بروجرد در مجلس در ادامه این مطلب افزود: از طرف دیگر معمولا کاربرد سلاح‌های شیمیایی مربوط به زمانی است که ارتش‌ها در جنگ احساس شکست می‌کنند در حالی که ارتش سوریه بهترین موقعیت را دارد، حلب آزاد شده بود و دیگر مناطق نیز در حال آزادسازی است.

وی همچنین ادامه داد: کشوری که برنده جنگ است دست به چنین اقدامی نمی‌زند ضمن اینکه از اساس دولت سوریه فاقد سلاح شیمیایی است.

بروجردی در این خصوص تاکید کرد: تروریست‌ها در گذشته نیز نشان داده‌اند که ابایی در استفاده از سلاح شیمیایی ندارند و این ادعا مبنی بر استفاده دولت اسد از سلاح شیمیایی در عمل واهی است و بهانه‌ای برای آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی و منطقه‌ای است که در ۶ سال گذشته در سوریه شکست خورده‌اند و به دنبال فضاسازی تبلیغاتی برای سرپوش گذاشتن بر افکار عمومی و کشاندن مسئله به شورای امنیت هستند.

وی در خصوص این حمله نیز گفت: شعار ترامپ در زمان انتخابات ریاست جمهوری مغایر اقدام صورت گرفته است و نشان از افول ترامپ نیز هست.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس درباره حمله نظامی آمریکا به سوریه تاکید کرد: این اقدام نابخردانه آمریکا بدون تردید تبعات جدی به دنبال خواهد داشت چرا که کشورهایی مثل روسیه و ایران در برابر این اقدامات خلاف مصالح منطقه آرام نمی‌نشینند.

گفت و شنود

قمپز!

گفت: چند ساعت بعد از حمله آمریکا به پایگاه هوایی سوریه، برخی از مدعیان اصلاحات، با اشاره به این حمله خواستار سازش با آمریکا شدند!

گفتم: چه سازشی؟ چگونه؟

گفت: این عده از مدعیان اصلاحات اعلام کرده‌اند که برای دور ماندن از حمله احتمالی آمریکا باید به عقلا رأی داد!

گفتم: بی‌بی‌سی هم اعلام کرده که «نتیجه حمله ترامپ به سوریه این است که در داخل ایران به فکر حذف غیردموکراتیک و رد صلاحیت روحانی نباشند»!

گفت: یعنی ترامپ، با حمله به سوریه قصد داشته با این بهانه که اگر به آنها رأی ندهید، به ایران حمله خواهم کرد! کارنامه خالی از دستاورد مدعیان اصلاحات را جبران کند؟!

گفتم: مگر نمی‌بینی که مدعیان اصلاحات هم پشت سر هم می‌گویند، دستاورد برجام آن است که سایه جنگ را از سر مردم دور کرده است؟!

گفت: ترامپ هم مثل اوباما و بوش و... قمپز در کرده و غلط زیادی کرده!

گفتم: یارو که اهل قمپز بود از پیشنماز مسجد پرسید؛ اگر در حال نماز یک شیر به ما حمله کرد چه کنیم؟ به نمازمون ادامه بدیم یا فرار کنیم؟ پیشنماز که می‌دانست یارو قمپز در می‌کند گفت؛ اگر وضویت باطل نشد به نمازت ادامه بده!

دادستان کل کشور خبر داد

ارتکاب مدیران بازداشت شده کانال‌های تلگرامی به اعمال خلاف امنیت ملی

دادستان کل کشور گفت: کانال‌هایی که بسته شد و افرادی که در همین ارتباط دستگیر شدند به تشخیص قاضی پرونده مرتکب اعمال برخلاف امنیت ملی شده بودند که اقدامات مجرمانه‌ای داشتند.

حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری درباره علت دستگیری ۱۲ نفر از مدیران شبکه‌های تلگرامی در روزهای پایانی سال گذشته به خبرگزاری صدا و سیما گفت: کانال‌هایی که بسته شد و افرادی که در همین ارتباط دستگیر شدند به تشخیص قاضی پرونده مرتکب اعمال برخلاف امنیت ملی شده بودند که اقدامات مجرمانه‌ای داشتند.

منتظری افزود: برای ما تفاوتی نمی‌کند که این شبکه‌ها به چه جریانی وابسته باشند و دستگاه قضائی طبق قانون عمل می‌کند و هم دستگیری این افراد و هم ادامه بازداشت آنان طبق قانون بوده است و طبق قانون هم ادامه خواهد داشت.

وی در خصوص درخواست برخی از مسئولان دولتی و مجلس برای آزادی این افراد، گفت: در هر حال افرادی که دستگیر می‌شوند خواه‌ناخواه دوستان و هوادارانی دارند که درخواست آزادی آنان را می‌کنند و دستگاه قضائی سعی می‌کند در روند دستگیری و ادامه بازداشت طبق موازین قانونی عمل کند.

به گفته دادستان کل کشور، تحقیقات در خصوص این افراد هنوز به پایان نرسیده است و پیش از پایان تحقیقات، قاضی نمی‌تواند مسائل را به اشخاص و اذهان عمومی نشر دهد و اگر تشخیص داده شد پس از پایان تحقیقات اطلاعات این پرونده به مسئولان داده خواهد شد.

وی از آزادی تعدادی از مدیران دستگیر شده کانال‌های تلگرامی در روزهای آینده خبر داد.

رئیس کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه افزود: با توجه به نزدیکی دو انتخابات مهم ریاست جمهوری و شوراها با مصادیق مجرمانه در فضای مجازی برخورد قاطع می‌کنیم و با کسی تعارف نداریم.

منتظری با تأکید بر اینکه در فضای مجازی رصد خواهیم کرد تا با برخی شایعات، تهمت‌ها و بداخلاقی‌ها برخورد شود گفت: دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی هم بیشتر رصد خواهند کرد و ما هم در دادستانی کل و دادستانی‌های سراسر کشور فضا را به گونه‌ای رصد می‌کنیم تا شاهد وقوع مصادیق مجرمانه نباشیم.

وی افزود: قطعاً نظام و مسئولان کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه به دنبال برخورد غیرقانونی با اشخاص نیستیم و هر برخوردی صورت بگیرد قانونی خواهد بود.

دادستان کل کشور تأکید کرد: باید فضای سالم و شادی در ایام انتخابات ایجاد و به حضور حداکثری مردم منجر شود اما هر جریان سیاسی با هر طرز تفکری بخواهد در شبکه‌های مجازی مرتکب اعمال مجرمانه شود برخورد خواهیم کرد.

منتظری تصریح کرد: از مدیران شبکه‌ها و کانال‌ها می‌خواهیم مسائل را به گونه‌ای تدبیر و مدیریت کنند تا ناچار نشویم از اختیارات قانونی‌مان برای برخورد با آنان استفاده کنیم.

خبر ویژه

بی‌ریشه‌تر از مدعیان اصلاح‌طلبی سراغ دارید آقای عبدی؟!

عباس عبدی می‌گوید جناحی که یک فرد ناجی‌اش باشد، هیچ‌گاه یک جناح امید نیست.

عضو مستعفی حزب منحله مشارکت در پاسخ به این سؤال روزنامه اعتماد که «آیا رئیسی می‌تواند ناجی جناح راست باشد؟ گفت: جناحی که یک فرد ناجی‌اش باشد، هیچگاه یک جناح اصیل و کارآمد نخواهد بود این جناح باید ذاتا بتواند مشکلات خود را حل کند و به سمت جلو برود. بنابراین باید فردی که نامزد یک جناح می‌شود. به نوعی مرتبط با آن جناح باشد. اصلا آقای رئیسی تا به حال هیچ ربطی به این جناح نداشته و فعالیتی نیز نکرده است. این امر به منزله اعلام شکست کلیه گروه‌های سیاسی جریان اصولگرا است.

وی همچنین در سخنانی که مربوط به قبل از اعلام نامزدی آیت‌الله رئیسی است ادعا می‌کند: من معتقد بودم که آقای رئیسی به عرصه انتخابات نمی‌آید نه به دلیل اینکه تمایلی به کاندیداتوری نداشته باشد، بلکه دلایلی وجود دارد که می‌داند آمدن یا نیامدنش از دو حال خارج نیست؛ یا شکست می‌خورد یا پیروز می‌شود. اگر در انتخابات آتی شکست بخورد وضعیت بدی بر آنها حاکم خواهد شد. اینکه اصولگرایان همه نیروهای‌شان را پشت یک نفر گذاشته باشند و با همه تبلیغاتی که می‌کنند، شکست بخورند برای‌شان خوب نیست. اگر هم در انتخابات پیروز شوند، بعدا شکست خواهند خورد. ایشان اصلا در عرصه سیاست به عنوان سیاستمدار شناخته نمی‌شود.

درباره این سخنان باید گفت که اولا آقای عبدی حدیث نفس کرده و گرفتاری اصلاح‌طلبان را به جبهه مقابل نسبت داده است؛ چه اینکه افراطیون مدعی‌اصلاح‌طلبی زمانی با وجود «عالیجناب سرخپوش» و «پدرخوانده مافیا» خواندن مرحوم هاشمی، آویزان وی شدند، سپس دور روحانی جمع شدند که همان‌ها را به خاطر آشوب و فتنه ۷۸، مزدور آمریکا و اسرائیل و انگلیس که باید سرکوب شوند، خوانده بود، پس از آن مدعی شیخوخیت ناطق نوری شدند که او را عامل مجلس زوری می‌نامیدند و در رفتار مشابهی، عارف را درصدر شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان نشاندند، حال آن که در سال ۹۲، او را نفوذی و برانگیخته نهادهای امنیتی و اصلاح‌طلب بدلی توصیف می‌کردند.

همین حالا هم اگر مدعیان اصلاح‌طلبی اصالتی برای خود قائل هستند، باید نامزدی از میان خود معرفی کنند و پای روحانی نمانند، حال آن که مجبورند و کسی را ندارند.

اما درباره اظهارات عبدی مبنی بر اینکه «آیت‌الله رئیسی هیچ رابطه‌ای با جناح اصولگرا نداشته»، این موضع از سر عناد، اتفاقا تحسین رئیسی است که آدم جناح‌ها نیست، حال آن که در متن تحولات سیاسی حضور داشته و صاحب تجربه فراوان است.

درباره شکست و پیروزی هم باید گفت این همه مدعیان اصلاح‌طلبی در انتخابات مختلف ریاست‌جمهوری و مجلس و شورای شهر و خبرگان در سال‌های ۸۱ و ۸۲ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۸ و ۹۰ و ۹۴ شکست خوردند، اما به روی مبارکشان نیاوردند. بالاخره یک طرف هر انتخاباتی کامیابی و طرف دیگر آن ناکامی است. اما به احتمال قوی، ابعاد شکست برای افراطیونی که ۴ سال فرصت‌های مملکت را بر باد دادند و کاسه گدایی به سمت دشمن گرفتند، سنگین‌تر خواهد بود.

نرخ بیکاری در ۹ استان ۲ رقمی شده است

در حالی که نرخ بیکاری در ۵ استان دو رقمی شده، یک نماینده اصلاح‌طلب درباره آمار شاغلان گفت دولت کسانی را هم که ۲ ساعت در هفته کار می‌کنند، شاغل حساب می‌کند!

به گزارش مشرق به نقل از مهر، سقف نرخ بیکاری استان‌های کشور از ۱۷/۴ درصد در سال ۹۴ به ۲۲ درصد در سال ۹۵ افزایش یافت؛ در عین‌حال نرخ بیکاری پنج استان نیز دو رقمی شد.

بررسی وضعیت بازار کار بر اساس شاخص‌های نیروی کار در ۳۱ استان کشور نشان می‌دهد در سال ۹۵ نرخ بیکاری پنج استان دیگر هم دو رقمی شد تا تعداد استان‌های دارای نرخ بیکاری تک رقمی از ۹ استان در سال ۹۴ به ۴ استان در سال ۹۵ تقلیل یابد.

در سال ۹۵ نرخ بیکاری چهار استان زنجان، سمنان، مرکزی و همدان همچون سال ۹۴ تک رقمی بود اما پنج استان خراسان جنوبی، تهران، بوشهر، آذربایجان شرقی و کرمان در سال ۹۵ به جمع استان‌های دارای نرخ بیکاری «دو رقمی» پیوستند.

بدین ترتیب نرخ بیکاری استان خراسان جنوبی که در سال ۹۴ معادل ۸/۶ درصد بود، در سال ۹۵ با افزایش ۲/۱ درصدی به ۱۰/۷ درصد رسید. همچنین نرخ بیکاری استان بوشهر از ۹/۷ درصد در سال ۹۴ با رشد ۱/۶ درصدی به ۱۱/۳ درصد افزایش یافت. علاوه بر این نرخ بیکاری استان آذربایجان شرقی از ۷/۳ درصد در سال ۹۴ با افزایش ۳/۵ درصد مواجه شد به طوری که این نرخ در سال گذشته به ۱۰/۸ درصد رسید. همچنین نرخ تک رقمی بیکاری استان کرمان با افزایش ۳/۶ درصدی از ۷/۹ درصد در سال ۹۴ به ۱۱/۵ درصد در سال ۹۵ افزایش یافت.

اما نرخ بیکاری در پایتخت ۳/۵ درصد نسبت به سال ۹۴ رشد داشت به طوری که این نرخ از ۸/۱ درصد در سال ۹۴ به ۱۱/۶ درصد در سال ۹۵ رسید.

در همین حال به گزارش تسنیم، علی‌اصغر یوسف‌نژاد نماینده اصلاح‌طلب مجلس گفت: دولت کسی را که دو ساعت در هفته کار می‌کند، شاغل محسوب می‌کند اما جامعه این شغل را نمی‌پذیرد.

وی افزود: مجموع سرمایه‌گذاری‌های دولت در بودجه، بخش خصوصی و تعاونی‌ها نیز آمار اشتغالزایی را تایید نمی‌کنند. در کشورهای دیگر کسی که دو ساعت در هفته کار می‌کند در زمان بیکاری پشتیبانی بیمه‌ای می‌شود اما در ایران این پشتیبانی انجام نمی‌شود اما آن فرد در آمار شاغلان آورده می‌شود.

رشد اقتصادی بادکنکی ادعای کاهش تورم را هم زیر سؤال برد!

رئیس بانک مرکزی در توجیهی بدتر از اصل مطلب می‌گوید مردم تاثیرات رشد اقتصادی مورد ادعای دولت را حس نمی‌کنند چون کالاها را گران می‌خرند! این موضع در حالی است که دولت ادعا می‌کند تورم و گرانی را به شدت کاهش داده است.

روزنامه اعتماد نوشت: رشد اقتصادی اعلام شده برای سال گذشته، چشمگیر است اما هنوز مردم این امر را در زندگی خود احساس نکرده‌اند. دو مقام مسئول پولی و مالی درخصوص چرایی این ماجرا توضیحاتی دادند که قابل ذکر و بررسی است. طیب‌نیا وزیر اقتصاد معتقد است اگرچه سال قبل رشد اقتصاد بالا بوده اما هنوز سطح زندگی مردم به درجه‌ای که در سال‌های ۸۸ و ۸۹ بوده بازنگشته است.

بنابراین مردم به دلیل فاصله‌ای که بین دخل و خرج‌شان وجود داشته و وضعیت نامناسب معیشت‌شان این رشد را احساس نمی‌کنند. اما ولی‌الله سیف توضیحاتی می‌دهد که بیشتر به میزان تورم سالانه بازمی‌گردد. او در پاسخ به خبرنگاری که از او دلیل احساس نشدن رشد اقتصاد را می‌پرسد می‌گوید: کالاهایی که مردم خریداری می‌کنند، احتمالا نرخ تورم بیشتری از میانگین تورم کشور دارند.

کارشناسان اما پیش‌تر درخصوص حس نشدن رشد اقتصاد در زندگی گفته بودند تا مادامی که رشد اقتصاد از محل ارتقای تولید در بخش صنعت، ساختمان و کشاورزی صورت نگیرد و همراه با کاهش بیکاری نباشد برای مردم محسوس نخواهد بود. بیکاری سبب می‌شود آثار مثبت رشد اقتصادی خود را در معیشت مردم نشان ندهد. از سوی دیگر بخش مهم رشد سال گذشته کشور به بخش نفت بازمی‌گردد که رابطه پیشین و پسین چندانی با بخش‌های دیگر اقتصاد ندارد، حال آنکه بخش‌هایی مانند ساختمان، صنعت و معدن یا رشد منفی داشتند یا رشدی بسیار ناچیز. به بیان دیگر، بخش‌هایی که می‌توانند اشتغالزا باشند کماکان با رکود دست و پنجه نرم می‌کنند و حوزه‌هایی که اثرات چندانی بر معیشت جامعه ندارند رشد کردند.

نگرانی اصلاح‌طلبان از تاثیر انتخاباتی بی‌توجهی دولت به مشکلات جوانان

یک روزنامه اصلاح‌طلب نسبت به تاثیر بی‌توجهی دولت به جوانان در انتخابات هشدار داد. اعتماد همچنین تصریح کرد دست‌اندرکاران جبهه اصلاحات همه پیر و سن گذشته هستند.

این روزنامه در تحلیلی نوشت: بررسی اجمالی مباحث و مذاکرات بین جوانان اصلاح‌طلب و حتی اصولگرا نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین انتقادات به دولت در مورد پیرسالاری و عدم میدان دادن به جوانان است. ورود نیروهای تازه نفس و جوان در هر سیستم و اداره و سازمانی امری طبیعی و منطقی است و در صورت بی‌توجهی به مرور آن مجموعه تحلیل رفته و ناکارآمدی و تعطیلی نتیجه طبیعی آن خواهد بود.

این روزنامه می‌افزاید: فرض بگیریم چند سال بعد یکایک بزرگان اصلاحات به این باور برسند که بازنشسته شوند واقعا چند مدیر نسل دومی در این جریان آماده و تربیت شده‌اند؟ اما این تمام مشکل نیست بلکه با تربیت نشدن مدیران جوان و تازه نفس اتفاق دیگری در شرف وقوع است که می‌توان کیان جریان اصلاحات را نیز با مخاطرات جدی مواجه سازد.

بر این اساس می‌توان به جرات گفت آینده با ادامه وضع موجود برای اصلاح‌طلبان به هیچ عنوان روشن نیست. چه چیزی از جریان اصلاحات در ۱۰ تا ۲۰ سال دیگر باقی خواهند ماند؟ آیا جریان اصلاحات توانسته چنان کادرسازی کند که این خلأ احساس نشود؟ آیا مدیرانی در تراز شهری، استانی و کشوری تربیت شده‌اند؟ اگر امروز نسل جوان اصلاح‌طلب نتواند وارد تصمیم‌سازی‌های حیاتی شود ۱۰ سال بعد که نخبگان سیاسی اصلاح‌طلب یکی پس از دیگری ایام بازنشستگی و کهولت سن را می‌گذرانند مقدرات این جبهه باید با کدام نیروی سیاسی و مدیر میانی و ارشد به پیش برود؟

اعتماد در ادامه نوشت: به این مسئله دغدغه مهم‌تری را هم باید اضافه کرد. فرای جوانان سیاسی و تشکیلاتی، جوانان غیرسیاسی این روزها اشتغال و ازدواج را مهم‌ترین مشکل خود می‌دانند. متاس